

ان الدین عندالله الاسلام یقیناً دین نزد خداوند اسلام است

برای دعوت به دین خداوند لایزال خصوصیت های تعیین گردیده است تا دین خداوند (اسلام) به شکل درست دور از اشتعال انگیزی و روند خشم آلود به دیگران تقدیم گردد که یکی ازین خصوصیت ها در داعی دین اسلام دوری از سلوک و روند خشمگین و مواجهه است حتی اگر طرف مقابل خارج از دایره دین مبین اسلام هم باشد چرا وقتیکه ما به اسلام دعوت مینماییم باید طرف مقابل فرصت بدست نیآورد تا به مقدسات ما دشنام آمیز جواب سرای کند.

شاید درین مورد قصه حضرت ابوبکر صدیق روشنگر موقف باشد که وقتی در حضور رسول الله (ص) شخصی با وی منازعه داشت و برایش دشنام میداد و وی جواب نمیداد و رسول الله (ص) این صورتحال را دیده تبسم کنان اظهار خرسندی مینمود تا کار بجای رسید که حوصله ای حضرت ابوبکر صدیق لبریز گردیده به جواب دشنام آن شخص سخن درشت گفت به مجرد شنیدن سخن درشت ابوبکر صدیق به آن شخص، رسول الله (ص) به شکل قهر آمیز مجلس را ترک گفت، وقتی ابوبکر صدیق از رسول الله (ص) جویای حقیقت شد رسول الله (ص) برایش گفت تا وقتیکه تو جواب آن شخص را نمیدادی يك فرشته با تو بود و به جواب وی میرداخت اما وقتیکه شما جواب دشنام را به سخن خشم آلود دادید شیطان حاضر شد و جائیکه شیطان باشد من آن جا را ترک میگویم .

ازین رویداد به وضاحت فهمیده میتوانیم که باید در هر وقت يك مسلمان از روش خشمگین اجتناب ورزد چه رسد اینکه ما فکر خویش را در میان يك ساحه و قشر فرهنگی و روشنفکر پیش میکنیم. اما این روش به این معنا نیست که ما از آن تمدد فکر و فرهنگ بیگانه از ارزشهای اصیل اسلامی که در جامعه ما راه ترویج خویش را بدست آورده است چشم پوشی نموده از باب روش نرم و درگذشت از برملا کردن آن چشم پوشی کنیم، بلکه مسؤولیت هر مسلمان است تا در رابطه به پلانهای بیگانگان مبارزه کند تا آن رسالت دین مبین اسلام را که اقامت دین خداوند اسلام را در جامعه حاکم نمودن است بجا کرده باشد و برای تحقق همین هدف انسان بطور خلیفه (متصرف) برگزیده شده است تا جلو این فکر که بنام اسلام با اسلام دشمنی میکند و در پی تحریف ارزشهای اسلامی در جامعه ما بیرون شده است گرفته شده باشد.

اما باید متذکر شد که آن فکر و فرهنگ های که دامن جامعه ما را گرفته و به قوت و سرعت در آن سرایت مینماید که ضرورت شدید برای بحث کردن روی آن احساس میشود به خصوص در ساحه مطبوعات چونکه وسایل مطبوعاتی سلاح سازنده و بریاد کننده در عین حال است پس ازین سلاح در بهبود جامعه و حفظ هویت اصلی آن باید استفاده درست شود.

اما اینکه ما اسلام چی کسانیرا بپذیریم آیا اسلام برهانی، گلبندی، سیافی، خلیلی، محقق، و... و... یا دین سعودی، ایرانی، پاکستانی، صوفی، خمینی باید گفت که اسلام دین خداوند لایزال برای هدایت بشریت است به همه بشریت نه تنها برای مسلمانان پس اسلام ملکیت کدام فرد، قوم و ملت خاص نیست بلکه اسلام يك صفت خاص است که در معنی و مفهوم لفظ اسلام نهفته است که اسلام عبارت از طاعت و فرمانبرداری از خداوند یکتا است، پس دردل هر کسیکه این صفت و خصوصیت پیدا شود آنرا مسلمان گفته میتوانیم، اما برای ایجاد این خصوصیت خداوند برای بشریت دستور اسلام را که قرآن کریم و عملکرد رسول اکرم (ص) است فرستاده است هر کسیکه طبق آن در زندگی خویش عمل کرد صفت مسلم بودن را در خود پیدا کرده میتواند، و هرگاه آن اعضایی جسم خویش را که فطرتاً مسلمان خلق شده است در اطاعت خداوند یکتا طبق هدایت الله ج بکار اندازد مسلمان پنداشته میشود، ما اسلام را به تمامی وضاحت از رهنمایی الله ج گرفته میتوانیم و نباید آنرا به فرد یا قوم و ملت منسوب کنیم و نباید اعمال بعضی ها را با نام اسلام ببینیم، به نظر من دشمنان اسلام برای بدنامی اسلام پلانهای بزرگی را براه میاندازند که اسلام را به عمل و روش اشخاصی معینی منسوب کنیم این انصاف با حقیقت اسلام نیست برای همه است لکن فهمیدن اسلام به فهمیدن قرآن و عملکرد رسول الله (ص) ضرورت دارد، باساس عمل نا رسای بعضی ها اسلام را نباید زیر سوال قرار داد .

دوم اینکه اسلام عبارت از ارزش های ایمانی است که به پرستش خداوند یکتا در دایره فکر و اندیشه عمیقتر شده به دماغ و قلب راه میآید و به داستان های افسانوی هیچ ربطی ندارد، بقول يك مفکر اسلامی که میگوید (اسلام در صمیم و تهدابش حرکتی تحریری است، که از ضمیر فرد آغاز گردیده و در محیط و گرداگرد جامعه خاتمه می یابد.

وقتي اسلام قلب انسان را زندگي بخشد و آنرا پرورش دهد، سپس آنرا نميگذارد تا به سلطاني در روي زمين تسليم شود، بجز از سلطان يکتا و قهار که مالک همه هستي است.

وقتي اسلام قلب انسان را پرورش دهد و آنرا زندگي بخشد، سپس آنرا نميگذارد تا در برابر ظلم و ستم با تمامي اشکال که دامن گیر جامعه ميشود خاموشي و سکوت اختيار کند، خواه اين ظلم بالاي خودش صورت گیرد و يا هم بالاي هر جماعت انساني ديگر در روي زمين.

اگر ديديد که ظلم و ستم صورت ميگيرد، اگر شنديد که مظلومين فغان دارند، سپس مشاهده کرديد که امت اسلامي در برابر اين ظلم و ناروا که دامن گیر جامعه شده کاري انجام نميدهد و يا هم در پهلوئي آن مظلومين استاده نميشود، و از آنها دفاع نميکند، پس بر شماسست تا در مورد وجود امت اسلامي به ديده شك بنگريد، زيرا که ممکن نيست تا قلب ها اسلام را چون عقیده پذيرد، در حالیکه شريعت محبوس باشد، و ظلم همچو قانون پياده شود.

اسلام در کتاب (قرآن) و عملکرد رسول الله (ص) بطور آشکار براي رهنمائي بشريت فرستاده شده است و ما نبايد عملکرد بعضي ها را در جامعه خویش به نام اسلام بررسی کنیم آنها همچو ديگران مسؤول عمل خویش استند و جوابگوي اعمال خویش نزد خداوند خواهد بود، براي اينکه چند شخص در جامعه ما مرتکب جرم و ظلم شدند نبايد ديگران سخن از اسلام و دعوت به اسلام به میان بياورد اين دور از انصاف است، به نظر من نهادهاي مطبوعاتي در جامعه بيشتر از هر نهاد ديگر مسؤوليت دارند که واقعت هاي جامعه را تيارز دهند، و براي تهذيب آن اندیشه و فکر بيگانه و منحرف از ارزش هاي اصیل اسلامي دست به کار باشند و مسؤوليت خویش را در رابطه به حفظ هويت اصلي خویش ادا کنند و نگذارند که تجاوز فکري و فرهنگي ديگران هويت جامعه افغاني را مخدوش کند و افراد جامعه ما را در اثر فکر و فرهنگ خویش در آورد، و از اين شرايط ناگوار امنيتي و فقر و بدبختي اجتماعي که دامن گیر جامعه شده استفاده سوء کنند و براي ترويج فکر و فرهنگ خویش دست باز داشته باشند، طبيعي است که جامعه ما بعد از يك حالت بحراني شکار اينگونه تجاوز شود لکن مسؤوليت نهادهاي مطبوعاتي است تا عامه مردم را آگاه سازد تا کار بجائي رسد که نهادهاي مسؤول حکومت هم دست در کار شود تا خصوصيت جامعه ما محفوظ باشد، کسي هم از تمدد فرهنگي و فکر بيگانه به افغانستان چشم پوشي کرده نميتواند اين يك حقيقت آشکار است

والله الموفق